



۲۰۲۰/۰۲/۲۳



م. اسحاق نگارگر

حکومتِ فرزندانِ آسمان بر زمین!



روزگاری بود، روزگار تلخ و تاری بود. اکثریت مردم از نعمت سواد و تجربه کافی بهره مند نبودند. تنها پادشاهان که در آن روزگار خود را خدا یا فرزند خدا بر زمین می پنداشتند نسل اندر نسل بر مردم حکومت می کردند. امپراتوران چین و جاپان خویشان را فرزندان آسمان می خواندند و خویشان را راعی یعنی چوپان و مردم را رعیت یعنی رمه می دانستند و مردم نیز قرن ها به رمه بودن خود خو گرفته بودند و خواب حکومت و پادشاهی را هم نمی دیدند. در دنیای فن و صنعت گوتنبرگی چشم بر زندگی گشود و ماشین چاپ را اختراع کرد. این ماشین سرنوشت جهان را بدل کرد، سواد و آگاهی عام شد. رعیت ها نیز احساس شخصیت کردند و رفته رفته حکومت فرزندان آسمان اعتبار خود را از دست داد و مردم ادعای حق کردند تا بدانجا که در جوامع خو گرفته با سلطنت نیز اختیارات بی قید و شرط سلاطین محدود شد و سلطنت های مطلقه به سلطنت های مشروطه بدل شد و معیار پذیرش دولت ها نیز تغییر کرد. حتی در میان مسلمانان نیز که پادشاهان را سایه خدا بر زمین می پنداشتند پادشاهان یا این سایه های خدا بر زمین را از خود راندند و به نظام های انتخابی و جمهوری رسیدند و حکومت از مردم شد و هنگامه دموکراسی و حکومت مردم بر مردم جهان را پُر کرد.

دموکراسی در واقع یک فرهنگ است و این فرهنگ ایجاب سواد و آگاهی را می کند. اگر دموکراسی را در جامعه ای که اکثریت مردم بیسواد استند کاپی می کنند این کاپی بدبختانه فاقد خاصیت های اصل می باشد. در این گونه جوامع که مردم خود را بیسواد و کور می پندارند و متکی بر رهبران استند قهرمان سازی و رهبر پرستی سکه رائج بازار می شود.

کوران به عصا نیاز دارند و رهبران عصای نا بینایان استند

در این کشور ها که مردم ارزش انتخاب را نمی دانند تقلب در انتخابات بسیار طبیعی است و حتی انتخابات بایومتریک هم نمی تواند جلو تقلب را بگیرد ولی معنایش این نمی شود که اگر انتخابات صد در صد شفاف و روشن نیست مردم از خیر آن بگذرند.

حکومت وقتی از مردم است که مردم آنرا برکزیده باشند و یا کم از کم دستاویز انتخابات را به دست داشته باشد حالا اگر دسته ای می آیند و استدلال می کنند که چون در انتخابات تقلب صورت گرفته است بنا بر این ما می رویم و

حکومت موازی می سازیم مردم افغانستان و جهان از اینان می پرسند شما کیستید و صلاحیت تان را از کجا کسب کرده اید و انگهی اگر فرض کنیم که در انتخابات تقلب صورت گرفته است و دسته ای که تقلب کرده نمی تواند حکومت تشکیل بدهد مردم باز می پرسند : "فرض کردیم که چنین باشد

■ ولی شما چه دستاویز دارید که می خواهید حکومت تشکیل بدهید؟

■ شما که حتی همان دستاویز انتخابات تقلبی را هم به دست ندارید؟ حکومت در خلای کامل نمی تواند به وجود بیاید آیا جهان که در آغاز کار انتخابات از کمیون آن قدردانی کرده اند حاضر استند که در یک سرزمین دو یا چند حکومت را به رسمیت بشناسند و سفرای شان را در کشورهای خود بپذیرند این حکومت مواری را که از هیچ جا کسب صلاحیت نکرده است باید به عنوان حکومت فرزندان آسمان بر زمین به رسمیت بشناسند.

حالا این موضوع به جای خود باقی است که آیا آن کاندید های دیگر حاضر استند که بدون امتیاز طلبی برای خود جناب داکتر عبدالله را به عنوان رهبر بلا منازع بپذیرند.

کم از کم جناب تورسن که حاضر نیست. مشوره من این است که جناب داکتر عبدالله دچار وسوسه قدرت نشود و چندان به یاران قدرت طلب که امروز با او استند ولی اگر روز بد بیاید یکه پر یکه پر از دورش پراکنده خواهند شد اعتماد نکند بنا بر این بهتر است کشور را به سوی یک بحران دیگر نَبَرَد و خود را نیز بازیچه همسایگان مغرض و افغانستان را دشمن شاد نسازد و به جای حکومت موازی در راه تشکیل یک حزب مخالف نیرومند کار کند و با دست پر وارد کارزار انتخاباتی شود که این درخت بید حکومت موازی برایش ثمری ندارد و به یاد داشته باشد هر که در جوانی پند پیران را بشنود در پیری از پند جوانان بی نیاز خواهد شد. نگارگر ۱۹ فیروزی ۲۰۲۰ فاعتبروا یا اولی الابصار.

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده های دیگری از این نویسنده بزرگ را مطالعه کنند، می توانند با

"کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمایی شوند!

حکومت فرزندان آسمان بر زمین!

i_negargar_hokumat_e_farzandaan_e_aasemaan.pdf